

درس هفتم تحولات هویتی جامعه



«تحوالات هویتی جامعه»

❖ جامعه چگونه دچار تحولات هویتی میشود؟

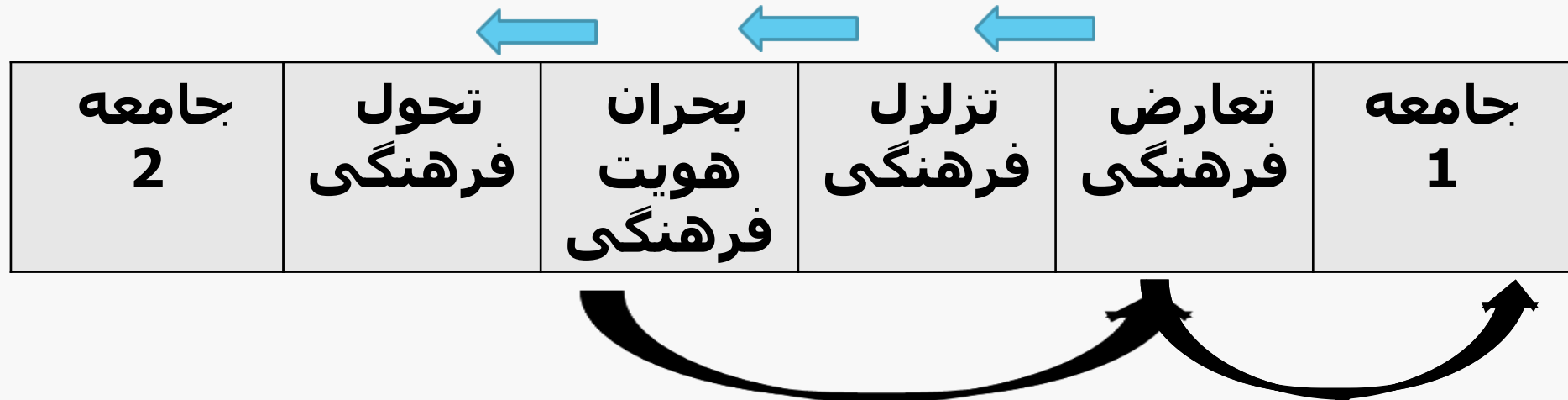
❖ هویت **فرهنگی جامعه** چه تفاوتی با **هویت اجتماعی افراد** دارد؟

هویت اجتماعی جامعه	هویت فرهنگی جامعه
<p>هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می گیرد.</p>	<p>هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش های اجتماعی آن شکل می گیرد</p>
<p>هویت فرهنگی جامعه، فرصت شکل گیری هویت های اجتماعی متناسب با خود را پدید می آورد و در برابر انواع هویت های اجتماعی که با عقاید و ارزش های آن ناسازگار باشند، مقاومت می کند.</p>	<p>هرگاه اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می آید.</p>
<p>-</p>	<p>هویت فرهنگی جامعه، گسترده تر از هویت اجتماعی افراد است</p>
<p>-</p>	<p>هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می آورد که عقاید و ارزش های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آنها مهم باشد.</p>

تغییرات هویتی که مورد تشویق و تایید قرار می گیرند:

- ❖ آموختید که افراد می توانند هویت اجتماعی خود را تغییر دهند. تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتد و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشد، مورد تشویق و تایید جامعه قرار می گیرد.
- ❖ **مثال:** فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می بخشد از طرف جامعه، تایید و تشویق می شود. **اما همیشه این گونه نیست.**
- ❖ گاهی تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش های جامعه نیست و شیوه هایی از زندگی را به دنبال می آورد که با عقاید و ارزش های جامعه ناسازگار است. این وضعیت اضطراب و نگرانی های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد.

فرایند تحولات هویتی جامعه:



تعارض فرهنگی: گاهی تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش های جامعه نیست و شیوه هایی از زندگی را به دنبال می آورد که با عقاید و ارزش های جامعه ناسازگار است. این وضعیت اضطراب و نگرانی های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد.

تزلزل فرهنگی: اگر این وضعیت یعنی شیوه ناسازگار با عقاید و ارزش های جهان اجتماعی ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش هایی که هویت فرهنگی جامعه را می سازند، مورد تردید قرار می گیرند و ثبات خود را در زندگی مردم از دست می دهند

بحران هویت فرهنگی: عدم توان جامعه در حفظ و دفاع از عقاید و ارزشهای خود

انواع تحولات فرهنگی

مثبت

منفی

تحولات فرهنگی می توانند **مثبت** یا **منفی** باشند. اگر فرهنگی که دچار تحول می شود، فرهنگی **باطل** باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ **حق** باشد، تحول فرهنگی مثبت است، اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می دهد، فرهنگ **حق** باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ **باطل** باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی، تحول فرهنگی **مثبت** و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی **منفی** است.

علل تحولات فرهنگی

درونی

بیرونی

علل درونی

ابداعات و نوآوریهای مثبت و منفی افراد جامعه مربوط می شود.

کاستی ها و بن بست های موجود در فرهنگ جامعه

علل بیرونی

ارتباط میان جوامع

برای مثال، اگر فرهنگ یک جامعه توان پاسخ گویی به نیازهای طبیعی و جسمی یا فطری و معنوی انسان ها را نداشته باشد، آن جامعه نشاط زندگی را از دست می دهد و گرفتار یأس و ناامیدی می شود. این کاستی ها و بن بست ها، متفکران و مصلحان اجتماعی را به بازاندیشی در فرهنگ جامعه و بنیان های عقیدتی و ارزشی آن فرا می خواند و زمینه را برای تحولات فرهنگی فراهم می کند.



انواع ارتباط میان جوامع:

❖ در محدوده لایه ی سطحی:

در سده های نخستینِ رویارویی با جوامع دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداختند و به همین سبب، عناصر سازگار با هویت فرهنگی خود را از آنها گرفتند و در موارد مورد نیاز به بازسازی آن عناصر فرهنگی پرداختند. مثلاً به دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آنها را اخذ کردند. به تناسب فرهنگ توحیدی خود، در این دانش ها دخل و تصرف نمودند اما عناصر مشرکانه این دو فرهنگ را نپذیرفتند؛ مثلاً آثار فلسفی، پزشکی ریاضی و نجوم آنها را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه ها و اسطوره های آن را رها کردند.

در محدوده ی لایه های عمیق:

اگر جامعه ای در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می شود. اگر این جامعه در مسیر تحول فرهنگی، عقاید و ارزش های جامعه دیگر را بپذیرد، به آن جامعه ملحق می شود، مانند مصر باستان و ایران باستان که در ارتباط با جوامع اسلامی، عقاید و ارزش های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی ملحق شدند.



شکل‌گیری هویت جدید بدون ملحق شدن:

ممکن است یک جامعه در مواجهه با جامعه دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از فرهنگ آن جامعه هویت جدیدی به دست آورد؛ بدون اینکه عقاید و ارزش‌های جامعه مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود. مانند جوامع غربی که پس از رویارویی با جوامع اسلامی طی جنگ‌های صلیبی، بدون اینکه به جامعه و فرهنگ اسلام پیوندند، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطا به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند.

شکل گیری آسیب های فرهنگی:

❖ خود باختگی فرهنگی:

در تعامل و دادوستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به طور فعال و خلاق و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر رو به رو شود. اما اگر اعضای آن، مبهوت و مقهور فرهنگ دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی آن جامعه از دست بدهند، می شود و در این صورت، عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می پذیرد. چنین جامعه ای به روش تقلیدی عمل می کند و ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می دهد؛ بنابراین، نه می تواند فرهنگ خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه قادر است به جامعه دیگری که شیفته و مبهوت آن شده است، ملحق شود؛ از اینجا رانده و از آنجا مانده.

غرب زدگی چیست؟

بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و به همین سبب، دچار خودباختگی فرهنگی گشتند. خودباختگی جوامع غیر غربی در مقابل غرب را غرب زدگی می گویند.



از خود بیگانگی فرهنگی:



❖ از تاریخ:

اگر یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خود بیگانگی تاریخی شده است. جامعه خودباخته ای که در مواجهه با جامعه دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می برد، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار شده است.

❖ مثال: برخی از جوامع اسلامی،

❖ تغییر خط عربی به لاتین (اقدامات آتاتورک)

❖ تغییر مبدا تقویم خورشیدی از

هجرت پیامبر اسلام به تاریخ تقریبی تاج گذاری کوروش تغییر یافت.



از فطرت (حقیقی):

اگر عقاید و ارزش های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جامعه دچار از خودبیگانگی **فطری** یا **حقیقی** شده است. مانند جوامع غربی

❖ **مثال:** تصویب قانونی در مجلس ملی فرانسه در سال 1905 که بر اساس آن دین از آخرین عرصه های حضور اجتماعی خود حذف شد.

پیامد غلبه ی فرهنگ هایی که از عقاید و ارزش های حق برخوردار نیستند بر جامعه:

- ❖ مانع آن می شوند که انسان ها به شناخت صحیح از عالم و آدم برسند.
- ❖ در جوامعی که چنین فرهنگی دارند، انسان ها از حقیقت خود و هستی دور می مانند.
- ❖ تصویری که این فرهنگ ها از انسان ارائه می دهند، نه خود حقیقت بلکه سرابی از حقیقت است؛ به همین سبب، آدمی در چنین جامعه ای حتی اگر از رفاه مادی برخوردار باشد، به آرامش نمی رسد بلکه به اضطراب و تشویش گرفتار می شود و در نهایت، سر به عصیان و طغیان برمی دارد.

علت از خودبیگانگی فرهنگی در دیدگاه قرآن کریم:

فراموش کردن خداوند سبب می شود که انسان خود را نیز فراموش کند.

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْفَاسِقُونَ»

(سوره حشر-19)

همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند، سپس خداوند نیز آنها را از یاد خودشان برد

از دیدگاه قرآن کریم، کدام جوامع می توانند انسان را با حقیقت خود و جهان آشنا کنند؟

❖ از نظر قرآن کریم، انسان هنگامی می تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که به انسان و جهان نگاهی توحیدی داشته باشد.

❖ بر اساس این نگاه، تنها فرهنگ توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسانمی گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می کند.

نکات کلیدی:

در صورتی که اعضای یک جامعه، واقعیت‌ها و آرمان‌های جامعه خود را فراموش نکنند و به آن احساس تعلق داشته‌اند آن جامعه دارای هویت تاریخی است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن جامعه مطابق حق باشد، دارای **هویت حقیقی و فطری** است.

فطرت، مجموعه بینش‌ها و گرایش‌هایی چون حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی‌دوستی، خلاقیت، عشق و پرستش در آفرینش انسان است که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند. خداوند انسان را بر فطرت خویش آفریده است. فطرت آدمی و شکوفایی آن شدت و ضعف می‌پذیرد و امکان انحراف از آن نیز وجود دارد، ولی به طور کامل سرکوب و نابود **نمی‌گردد**.

از خودبیگانگی حقیقی و تاریخی چه ارتباطی (لازم و ملزوم)،
(مکمل) با هم دارند؟

آیا اگر جامعه ای به یکی از معانی **از خودبیگانگی** دچار شود،
ناگزیر به دیگری هم مبتلا می شود؟

یا ممکن است جامعه ای در یک معنا از خود بیگانه نباشد ولی در
معنای دیگر از خود بیگانه باشد؟

پایان